

کد کنترل

163

E



163E

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

 <p>جمهوری اسلامی ایران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان سنجش آموزش کشور</p>	<p>«اگر دانشگاه اصلاح شود سملکت اصلاح می‌شود.» امام خمینی (ره)</p>										
<p>صبح جمعه ۱۳۹۶/۱۲/۴ دفترچه شماره (۱)</p>	<p>آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۷</p> <p>رشته زبان و ادبیات عرب (کد ۲۱۱۰)</p> <p>تعداد سؤال: ۱۰۰</p> <p>مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه</p>										
<p>عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>ردیف</th> <th>مواد امتحانی</th> <th>تعداد سؤال</th> <th>از شماره</th> <th>تا شماره</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱</td> <td>مجموعه دروس تخصصی: ترجمه متون - صرف، نحو و مهارت‌های زبانی - علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) - تاریخ ادبیات عربی - نظم و نثر قدیم و جدید عربی</td> <td>۱۰۰</td> <td>۱</td> <td>۱۰۰</td> </tr> </tbody> </table>		ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	۱	مجموعه دروس تخصصی: ترجمه متون - صرف، نحو و مهارت‌های زبانی - علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) - تاریخ ادبیات عربی - نظم و نثر قدیم و جدید عربی	۱۰۰	۱	۱۰۰
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره							
۱	مجموعه دروس تخصصی: ترجمه متون - صرف، نحو و مهارت‌های زبانی - علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) - تاریخ ادبیات عربی - نظم و نثر قدیم و جدید عربی	۱۰۰	۱	۱۰۰							
<p>این آزمون نمره منفی دارد.</p> <p>استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.</p>											
<p>حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متغییرن برابر مقررات رفتار می‌شود.</p>											

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأصح و الأدق للجواب عن الترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱ - ۱۲)

- ۱- ﴿ و لا تقف ما ليس لك به علم، إن السمع و البصر و الفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً ﴾:
- (۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!
- (۲) بر آنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!
- (۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل همگی در مورد آن سؤال می‌باشند!
- (۴) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بود!
- ۲- « إن أقعد أحدًا منكم الكبر عن مكسبه و لقاء إخوانه، فزوروه و عظموه و استظهروا بفضل تجربته! »:
- (۱) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!
- (۲) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!
- (۳) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربه عظیمش یاریش کنید!
- (۴) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!
- ۳- « إنما يبين نقصان الماء على مثلي الذي كآني السفينة لا أقدر على العيش إلا بالماء! »:
- (۱) فقط کمی آب برای من واضح است که چون کشتی قادر به ادامه زندگی بیرون از آب نیستم!
- (۲) کمبود آب فقط بر من که مثل کشتی هستم که نمی‌تواند در جایی جز آب زندگی کند آشکار می‌شود!
- (۳) فقط کمبود آب بر من ظاهر می‌شود که گویی مثل کشتی هستم که فقط در آب می‌توانم حیات داشته باشم!
- (۴) کمبود آب فقط بر چون منی که گویی من همان کشتی هستم که فقط بوسیله آب قادر به زندگی هستم، نمایان می‌شود!

۴- « أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْمَرءَ رَهْنٌ مَنِيَّةٌ، صَرِيحٌ لِعَافِي الطَّيْرِ، أَوْ سَوْفَ يُزْمَسُ! »:

۱) مگر ندیدی که انسان در گرو مرگ است، یا کشته می‌شود تا روزی پرنندگان شود یا در زمین مدفون می‌گردد!

۲) آیا ندیده‌ای که انسان در گرو مرگ است، آن‌گونه که یا برای پرنندگان طالب روزی کشته می‌شود، و یا به خاک سپرده خواهد شد!

۳) مگر نمی‌بینی که سرنوشت انسان محکوم به مرگ است و او یا به مرگ طبیعی می‌میرد و طعمه پرنندگان روزی طلب می‌شود، و یا در قبر گذاشته می‌شود!

۴) آیا ندیدی که انسان همچون گروگانی در دست مرگ است، اگر اراده کند او را برای تأمین روزی پرنندگان می‌کشد و یا اینکه در خاک دفن خواهد کرد!

۵- « أَعْوَامٌ وَصَلْ كَانِ يَنْسِي طَوْلَهَا ذَكَرُ النَّوَى، فَكَأَنَّهُا أَيَّامٌ! »:

۱) سالهای وصلی است که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش نبودند!

۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!

۳) بخاطر آوردن جدایی، طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتفاق افتاده است!

۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدت طولانی را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۶- « وَ نُكْرِمُ جَارِنَا مَادَامَ فِينَا وَ نُتَبِعُهُ الْكِرَامَةَ حَيْثُ مَالَا! »:

۱) همسایه خودمان را مادام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!

۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!

۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!

۴) آن کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رویم!

۷- عین الخطأ:

- (۱) إلى الله أشكو من معشر يعيشون جهالاً و يموتون ضللاً،: من از گروهی که با نادانی زیست می کنند و گمراه می میرند، به الله شکایت می کنم،
- (۲) ليس فيهم سلعة أبور من الكتاب إذا تلى حق تلاوته،: نزد آنان کالایی بی رونق تر از قرآن نیست هرگاه آنطور که شایسته آن است تلاوت گردد،
- (۳) و لا سلعة أعلى ثمناً من الكتاب إذا حُرف عن موضعه،: و نه کالایی گرانبهار از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد،
- (۴) و لا عندهم أنكر من المعروف و لا أعرف من المنكر! و منكرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی شناسم!

۸- « و ما كنت ممن أدرك الملك بالمنى و لكن بأيام أشبن النواصيا! ». عین الأقرب إلى مفهوم البيت:

- (۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج که نبود اندر جهان بی رنج گنج!
- (۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن!
- (۳) موی سپید را فلکم به رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده ام!
- (۴) خواب نوشین بامداد رحیل باز دارد پیاده را ز سبیل!

۹- « إن كان لا يُغنيك ما يكفيا فكل ما في الأرض لا يُغنيك! ». عین ما لا يناسب مفهوم البيت:

- (۱) گدا را کند یک درم سیم سیر فریدون به ملک عجم، نیم سیر!
- (۲) گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گورا
- (۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد!
- (۴) روده تنگ به یک نان جوین پر گردد نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ!

۱۰- « مرسنگی و قحطی نمی توانند بر جنگجوی شجاع چیره گردند و او را از مبارزه بازدارند، کما اینکه گرمای سوزان نمی تواند بر گیاهان صحرائی تأثیر کند! ». عین الصحيح:

- (۱) لا يمكن للجوع و المجاعة التغلب على المكافح الباسل و تمنعه من التّضال، کما أن شدة الحر لا تؤثر على الأشجار الصحرائية!
- (۲) إن الجوع و الجذب لا يمكن لها الغلبة على كل محارب شجاع و تمنعه عن المحاربة، کما أن حمارة القيط لا يمكن له التأثير على النباتات البرية!
- (۳) إن المجاعة والجوع لا يستطيعان أن تغلب المناضل الباسل و تشغلانه عن المحاربة، کما أن شدة الحرارة لا يمكن أن تتأثر بالأشجار الصحراوية!
- (۴) لا يستطيع الجوع و المجاعة أن يتغلبا على المناضل الشجاع و يشغلاه عن المناضلة، کما أن حمارة القيط لا تستطيع أن تؤثر على النباتات البرية!

۱۱- « زنهار از اینكه در بین مردم چون حيله گران زندگى كنيد و در بین مسلمين تفرقه بيفكنيد! ». عین الخطأ:

(۱) إياكم و المعيشة بين الناس كعيش الماكرين، و أن تفرقوا بين المسلمين!

(۲) إياكم أن تعيشوا بين الناس عيشة الماكرين و تشقوا عصا المسلمين!

(۳) حذار من العيش بين الأنام كما يعيشه المحتالين و أن لا تشقوا عصا المسلمين!

(۴) العيش بين الأنام محتالين و بتأ الفرقة بين المسلمين!

۱۲- « برخی صنایع ادبی در ضرب المثل های عربی نفوذ کرده بود، اما در تمام آنها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب المثلها خالی از هر نوع فن و بیانی بود، زیرا ضرب المثلها عادتاً در زبان محاوره رایج است. » عین الصحیح:

(۱) كانت قد تسربت الأمثال العربية في المجتمع العربي دون بعضه، و الأمثال الأدبية هذه كثيراً ما كانت خالية عن الفن و البيان، و كانت تسود في لغة التحوار كالعادة!

(۲) بعض الصنائع الأدبية كانت قد تسربت في الأمثال العربية، و لكنها لم تستوعبها كلها، بل كثير من هذه الأمثال كانت مغسولة من كل فن و بيان، لأن الأمثال تجري في لغة التخاطب عادة!

(۳) من الصنائع الأدبية ما كانت تنفذ في الأمثال العربية، و لكن لا تشمل كل ذلك، بل كثيراً ما كانت الأمثال تضرب دون أي فن و بيان، لأن الأمثال هذه جارية في لغة الحوار كالعادة!

(۴) كانت الصنائع الأدبية تدخل في أمثال اللغة العربية، و لكنها لا توجد في كلها، بل الأمثال العربية كانت تخلو من الفن و البيان كثيراً، و عامة الناس تستفيد منها في لغتها الدارجة عادة!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۳ - ۱۷)

۱۳- ﴿... إن كنتم خرجتم جهاداً في سبيلي و ابتغاء مرضاتي...﴾. عین الصحیح:

(۱) إبتغاء: مصدر من باب افتعال - معرب - ممدود - منصرف / معطوف و منصوب بالتبعية للمعطوف عليه «جهاداً»

(۲) خرجتم: ماضٍ - مجرد ثلاثي - صحيح و سالم / فاعله ضمير التاء البارز، والجملة فعلية و شرطية و في محلّ الجزم

(۳) جهاداً: مصدر من باب مفاعلة / مفعول لأجله و عامله «خرجتم»، أو مفعول مطلق لعامل محذوف، أو حال مؤولة إلى المشتق أو خبر «كان»

(۴) مرضاتي: جمع سالم للمؤنث - جامد و مصدر ميمي / مضاف إليه في اللفظ، و في المعنى مفعول به لشبه الفعل «إبتغاء»، و ضمير الياء مضاف إليه

۱۴- ﴿ آتُونِي زِيرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا ۗ ﴾ .
عين الصحيح:

(۱) ساوى: فعل ماضٍ من باب مفاعلة و لفيف مقرون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و في محل نصب على الظرفية!

(۲) آتوا (الأولى): فعل أمر من المجزء الثلاثي، معتل و ناقص (إعلاله بالحذف)، و مبني على حذف نون الإعراب

(۳) أفرغ: متنازع فيه، مجزء ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط محذوف مع أداته

(۴) قطراً: متنازع فيه، و هو مفعول به لفعل «أفرغ»، و العامل الآخر مستغن عن المعمول

۱۵- « من نظر في عيوب الناس و أنكرها ثم رضيها لنفسه فذلك الأحمق بعينه! ». عين الخطأ:

(۱) الأحمق: مشتق و اسم تفضيل (مصدره: حمق) / خير مفرد و مرفوع

(۲) نظر: فعل ماضٍ و شرط و مجزوم محلاً، و جواب الشرط الجملة الاسمية « ذلك... »

(۳) أنكر: ماضٍ من باب إفعال، فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً، و معطوف على فعل «نظر»

(۴) عين: اسم جامد و مجرور بالباء الزائدة في اللفظ و مرفوع محلاً بالتبعية على أنه مؤكّد معنوي للنسبة

۱۶- « كم من كلمة خفيف وزنها أودت بجماعة و فیر عددها ». عين الخطأ:

(۱) عدد: مبتدأ مؤخر، و خبره « و فیر » و الجملة اسمية و نعت للمنوع « جماعة » و رابطه ضمير الهاء

(۲) خفيف: نعت سببي تابع للمنوع أو الموصوف « كلمة » في الإعراب، و عامل في المعمول « وزن »

(۳) أودت: ماضٍ من باب إفعال و لفيف مقرون، و متعدي بالباء، و مع فاعله جملة فعلية و خبر للمبتدأ « كم »

(۴) كم: كناية عن العدد المبهم و خبرية، و في محل رفع على الابتداء و تمييزها « كلمة » المجرور بحرف

« من » الزائدة

۱۷- « ببذلٍ و حلمٍ ساد في قومه الفتى و كونك إياه، عليك يسيراً! ». عين الخطأ:

(۱) إياه: ضمير منفصل منصوب و مرجعه «الفتى» و خبر « كان » المفرد و في محل نصب، و اسم

« كان » ضمير الكاف

(۲) يسير: مشتق و صفة مشبهة (مصدره: يسر) و خبر للمبتدأ « كون » و مرفوع و متعلق للجار

و المجرور « عليك »

(۳) الفتى: صفة مشبهة و اسم مقصور، فاعل و مرفوع بضمّة مقدّرة، و عود ضمير « قومه » إلى

المتأخر جازئ

(۴) كونك: من النواسخ و مرفوع على الابتداء، اسمه ضمير الكاف و خبره جملة « عليك يسير »

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٨-٣٢)

١٨- عین الصحيح (عن الجمع):

- (١) سئل الجريحون في الحادثة عما وقع طيلة السفر!
- (٢) الأستاذ يدرّس درساً جديداً بسرعة و الطلاب حيرانون!
- (٣) الإخوان الأسودن يحامون عن وطنهم و لا يقصرون!
- (٤) إنّ ذوي سبويه هم الذين سُموا بهذا الاسم الشهير!

١٩- عین الصحيح عن المصدر للأسماء التالية: بنت، اسم، كتاب، سوداء:

- (١) بنيت، اسيم، كتيب، سويداء
- (٢) بنيت، سمي، كتيب، سويداء
- (٣) بنيت، اسيم، كتيب، سويداء
- (٤) بنيت، سمي، كتيب، سويداء

٢٠- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أُشير إليها بخط:

- (١) سبَحَ لله تَسْبِيحَةً (اسم النوع أو الهيئة)
- (٢) ﴿قالوا معذرة إلى ربكم﴾ (مصدر ميمي)
- (٣) ﴿يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية﴾ (مصدر صناعي)
- (٤) أطلب الإجابة عند اقشعرار الجلد و عند إفاضة العبرة! (مصدر رباعي مزيد)

٢١- عین الخطأ (بالنسبة إلى مرجع الضمير):

- (١) شاهد الطفلان أباهما!
- (٢) شاهد أبوهما الطفلين!
- (٣) شاهد الطفلين أبوهما!
- (٤) شاهد أباهما الطفلان!

٢٢- عین الخطأ (في وزني فعل و مفعول):

- (١) غصت في البحر للسباحة، فإذا غريق كان يستصرخني!
- (٢) كانت تدرّسنا معلّمة صبور، لا تتعب من أسئلتنا الكثيرة!
- (٣) هناك امرأة غريق تتشبّث بكل شيء لنجاتها، أعنها لتنجو!
- (٤) عندي صديق صبور، يداري و يتماشي معي في كلّ الأمور!

٢٣- عین ما لم يتقدّم الخبر وجوباً:

- (١) أين أخوك، ما رأيته منذ مدّة؟
- (٢) ما ناجح إلا الصادق في أعماله!
- (٣) أ طالبة في الصف أم طالب؟
- (٤) إنّما شجاع من يحارب شيطان نفسه!

٢٤- عین ما ليس فيه «أن» المخففة:

- (١) ﴿ أشهد أن لا إله إلا الله ﴾
- (٢) ﴿ أ فلا يرون ألا يرجع إليهم قولا ﴾
- (٣) ﴿ ربنا إنا سمعنا مناديا ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم ﴾
- (٤) ﴿ علم أن سيكون منكم مرضى و آخرون يضربون في الأرض ﴾

٢٥- عین الخطأ نحوياً:

- (١) من أراد البقاء ليوطن نفسه على المصائب!
- (٢) كل إناء ينضح بما فيه!
- (٣) كفى بالمرء خيانة إن كان أميناً للخونة!
- (٤) الوضيع من وضع نفسه!

٢٦- عین الخطأ (في العدد):

- (١) إنه أتى لنا بمائة دليل و نيف ليثبت مدعاه!
- (٢) له ست و نيف من المقالات العلمية البارعة!
- (٣) يدرس في كليتنا ألف و نيف من الطلبة و الطالبات!
- (٤) كان يطالب من الأجرة تسعين و نيفاً من التومانات!

٢٧- عین حرف «لا» ليست لنفي الجنس:

- (١) لا عمل خير ضائع و لا عمل سوء رابح!
- (٢) لا مهملاً واجباته ناجح!
- (٣) لا في الصف معلم و لا طالب!
- (٤) لا ضئيل مجتمعان!

٢٨- عین العبارة التي جاء فيها المفعول المطلق مرتين:

- (١) جلست على الكرسي جليوساً صحيحاً!
- (٢) علمته الدرس مرتين اثنتين!
- (٣) كتبت كتاباً لم يكتب أحد مثله!
- (٤) مشيت مشياً لا يمثيه أحد!

٢٩- عین الصحيح في المفعول لأجله:

- (١) إنها طالعت هذه المقالة علماً بأنها تفيدها!
- (٢) على المؤمن ألا يخطط في حياته ادخاراً للمال فقط!
- (٣) قمنا بإقامة الحصون حولنا خائفين العدو اللدود!
- (٤) يبجل الناس الإنسان الصادق حباً لصدقه في العمل!

٣٠- عین اسم الفعل بمعنى الأمر:

- (١) مه ما هذا الفضول!
- (٢) هيهات منا الذلة!
- (٣) بئ لك على هذا التقدم!
- (٤) شأن ما بين المجتهد و الكسلان!

٣١- عین الخطأ في إنشاء صيغة التعجب:

- (١) علم هذان الطالبان!
- (٢) ما كان أعلم هاتين الطالبتين!
- (٣) علم بهاتين الطالبتين!
- (٤) ما يكون أعلم هذين الطالبين!

۳۲- عین الخطأ في إعراب المستثنى:

- (۱) ما تخرّجت طالبات كليتنا إلا عشرين منهم!
- (۲) لم يبق في الصف إلا خمسة و عشرين من الطلبة!
- (۳) لن يفوز في السباق إلا هؤلاء المتأبرون في التدريب!
- (۴) لم يفز في سباق العام الماضي إلا المتأبرون و المتأبرات!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۳۳-۴۲)

۳۳- عین مخاطباً كان إنكاره أشد:

- (۱) برجاء جودك يُطرد الفقر!
 - (۲) ألا إنّما الدنيا بلاغٌ لغاية!
 - (۳) إلى الله أشكو لا إلى الناس!
 - (۴) و ما العيش إلا مدّة سوف تنقضي!
- ۳۴- عین ما يختلف فيه غرض الاستفادة من اسم الموصول:

- (۱) ﴿ فأغرقناه و من معه جميعاً ﴾
- (۲) ﴿ يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم ﴾
- (۳) ﴿ يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضراً ﴾
- (۴) ﴿ ففزع من في السمّوات و من في الأرض ﴾

۳۵- عین الخطأ حول عبارة «إذا أردت فأنت تجود»:

- (۱) تستوعب العبارة المدح و الذم!
- (۲) حذف المفعول به للبيان بعد الإبهام!
- (۳) المتكلم متفائل بإرادة الجود!
- (۴) قدّم المسند إليه لإفادة الثبوت و الاستقرار!

۳۶- عین الصحيح في سبب الفصل:

- (۱) مات فلان رحمه الله (شبهه كمال الانقطاع)
- (۲) فيا موتُ زُر إن الحياة ذميمة (كمال الاتصال)
- (۳) ﴿ ما هذا بشراً، إن هذا إلا ملك كريم ﴾ (كمال الاتصال)
- (۴) ﴿ اتبعوا المرسلين، اتبعوا من لا يسألکم أجزاء و هم مهتدون ﴾ (شبهه كمال الاتصال)

۳۷- عین ما فيه مساواة:

- (۱) ﴿يخزنون بيوتهم بأيديهم﴾
 (۲) ﴿فيها فاكهة و نخل و رمان﴾
 (۳) ﴿و قطعناهم في الأرض أممًا﴾
 (۴) ﴿إن الله لا يظلم مثقال ذرة﴾

۳۸- عین الخطأ في غرض التشبيه:

- (۱) ما قوبلت عيناه إلا ظننا
 (۲) أرى كل ذي جود إليك مصيره
 (۳) لا تحسبوا أن رقصي بينكم فرحاً
 (۴) أصحبت من ليلى الغداة كقابض
 تحت الدجى ناز الفريق حلولا! (مقدار حال المشبه به)
 كأنك بحر و الملوك كواكبه! (بيان حال المشبه)
 فالطير يرقص مذبحاً من الألم! (بيان إمكان المشبه)
 على الماء خانته فروج الأصابع! (تقرير حال المشبه)

۳۹- عین الخطأ في علاقة المجاز المرسل:

- (۱) سال الوادي (محلّية)
 (۲) إن الأبرار لفي نعيم (حالية)
 (۳) سأوقد نازاً (اعتبار ما يكون)
 (۴) حمى فلان غمامة واديه (مستبينة)

۴۰- عین الأبلغ من الاستعارة:

- (۱) إن التباعد لا يعض
 (۲) وعدّ البدر بالزيارة ليلاً
 (۳) سقاه الردى سيف إذا سلّ أو مضت
 (۴) لدى أسد شاكى السلاح مقدّب
 تر إذا تقاربت القلوب!
 فإذا ما وفى قضيت نذوري!
 إليه ثنايا الموت من كل مرقد!
 له لبس أظفاره لم تقلم!

۴۱- عین الخطأ في لازم الكناية:

- (۱) ركب جناحي نعامة! (الخوف)
 (۲) أشكو إليه قلة الجردان! (الفقر)
 (۳) لوت اللبالي كفه على العصا! (الهرم)
 (۴) تجول الخلاخيل ولا أرى لها خلخالاً ولا قُلباً! (المرأة السمينّة)

۴۲- عین الصحيح في قوله تعالى: ﴿و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقاتلوا أئمة الكفر﴾

(۱) التفریع

(۲) التجريد

(۳) الاستنباع

(۴) المذهب الكلامي

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣-٧٧)

٤٣- عین الصحيح عن العصر الجاهلي:

- ١) ليست الحروف العربية حروفاً وضعيّة بل إنّها تولدت بتتوّع الحرف النبطي الذي كان شائعاً في شمال جزيرة العرب قبل العرب!
- ٢) اللّغة العربية أرقى اللّغات السامية فصاحة و اتّساعاً و أقرب من أحواتها إلى الآرامية و إن كانت السامية أقدم منها عهداً!
- ٣) إنّ الشّعر الجاهلي له لغة فصحي واحدة هي في الأصل لهجة أهل الشام و تمتاز هذه اللّغة بالإعرابيّة و الاشتقاقية و النحت و الترادف!
- ٤) كان للعرب في الجاهلية كتاتيب لتعليم القراءة و الكتابة و اشتهر في ذلك أهل الحجاز الذين كانوا يجيدون قراءة عدّة لغات أجنبية و كتابتها!

٤٤- لماذا لم تُذكر الحماسة بين أغراض الشّعر العربي القديم؟

- ١) لأنّ اهتمام النقاد العرب كان منصباً على البيت الواحد!
- ٢) لأنّ الحماسة كانت من أغراض الشّعر الفارسي و لم يكن النقد العربي يعرفها!
- ٣) لأنّ النقاد العرب كانوا يهتمون بالمدح و الهجاء و الرّثاء دون غيرها من الأغراض!
- ٤) لأنّ العنصر العربي لم يكن يحلّ مكان الصدارة في قيادة الجيوش في عصر تنويع النقد الأدبي!

٤٥- عین الصحيح عن أسلوب حسان بن ثابت الأنصاري:

- ١) كان هجوه للأعداء بعيداً من الفحش و الإقذاع الشنيع!
- ٢) كان حسان يمدح الملوك على الطراز القديم يحفل بالتعظيم و التّعظيم!
- ٣) كان وصفه للخمر بعيداً عن الحيويّة لأنّه لم يكن يحبّ الخمر!
- ٤) كان يفاخر في وجه الأعداء بأسلوب جديد يختلف عن العصر الجاهلي!

٤٦- وُلد في فيافي الدهناء ببادية اليمامة و نشأ فيها و كان شديد الفقر دميماً يضرب لونه إلى السواد، لمّا نشب

الهجاء بين جرير و الفرزدق دخل بينهما و ناصر الفرزدق على الجرير! هذا الكلام يدلّ على:

- ١) ذي الرّمّة!
- ٢) مُتمّم بن نويرة!
- ٣) ربيعة بن العجاج!
- ٤) عبيد الله بن قيس الرقيّات!

۴۷- عین الخطأ:

- ۱) كان العراق موطنًا من مواطن الجدّ والسعي و لكن بعد زمن أصبح موطنًا للتهتك و الاستهتار!
- ۲) السبب الرئيس في تغيير سلوك العراقيين و اتخاذهم طريق المجون كان انتقال الخلافة من الشام إلى بغداد!
- ۳) ظلت الشام تكاد تشارك العراق في جدّه و لا تكاد تشارك الحجاز في لهوه، و أهل الشام كانوا آنذاك عماد الخلافة الأموية!
- ۴) التغيير في خفقات المواطن العراقي لم ينشأ في العراق نفسه و لكنّه وفد على العراق من الحجاز الذي كان قد ذوق هذه الاستحالة من قبل!

۴۸- عین الصحیح للفرغ: كان زعيم التصنيع البديعي الذي عمّت موجته من بعده فأصبح من ذوق عصره!

- ۱) ابن المعتز
- ۲) مسلم بن الوليد
- ۳) الحسين بن الضحاک
- ۴) العباس بن الأحنف

۴۹- عین الخطأ:

- ۱) كان في عصر الأمويين يتخذ النقاد اللفظ و المعنى مقياسًا لجودة الشعر!
- ۲) كان في البداية كلما قرب اللفظ من البداوة و يملأ الفم و يهز السمع، كان هو الأجد!
- ۳) الجمالية في الشعر في بداية العصر العباسي كانت تدور حول مقدار اتباع الشاعر الماضين أم خروجه!
- ۴) الخلاف بين القدماء و المحدثين يتمثل في كلّ من «البحثري و أبي تمام» و «أبي نواس و مسلم» و «المتنبي و أبي تمام»!

۵۰- عین الخطأ حول ما نعرف من التغييرات و التطورات في الشعر عند القدامى و المحدثين في القرون الأولى:

- ۱) نشأ في عصر بني أمية نوعان من الشعر لم يكن قد ألفهما الجاهليون أو أحسنوا فهمهما و هما الغزل و الشعر السياسي!
- ۲) من أسباب عدم التطور الجذري هو أن الأمة العربية لم تعرف من آداب الأمم الأخرى شيئًا يذكر و لم تخالط هذه الأمم من الوجهة الأدبية!
- ۳) لا يمكن أن نقارن العصر الأموي مع العصر العباسي؛ فلا نشاهد تجديدًا أو تغييرًا في العصر الأموي، فالشاعر كان يتبع الجاهليين في الصورة و المضمون!
- ۴) إن الحياة العربية تطورت، أو ربما يمكن أن نقول أنها تبدلت في القرنين الأول و الثاني كاملًا، و لكن الآداب لم تتغير لا في الصورة و لا في الموضوع!

۵۱- عین الخطأ:

- ۱) لحياة بشار الأدبية مراحل ثلاث: ۱- بشار المعتدل ۲- بشار المستهتر ۳- بشار التائب
- ۲) كان بشار في أول أمره متصلاً بالمعتزلة و رجال الفقه و الدين، ثم أضحي رجلًا غزلاً!
- ۳) عوتب بشار مرة و أنذر ثانية و عوقب ثالثة و ضرب و مات لإسرافه في الزندقة و الغزل الماجن!
- ۴) كثير من مخضرمي النظامين مثل حماد عجرد كانوا في أول أمرهم أصحاب جدّ ثم تغيرت أحوالهم و أضحو أصحاب لهو!

۵۲- عین الخطأ:

- ۱) بظهور أبي تمام يبدأ التّعقيد الفنّي في الشّعر العربي!
- ۲) من ميزات القرن الثالث هو أنّ النثر بدأ يفوق الشّعر!
- ۳) كان من ميزات القرن الثاني الاضطراب و عدم الاستقرار في كلّ شيء!
- ۴) في الأجناس الأدبيّة الشعريّة كان جنس الفخر أكثر استيعابًا و شيوعًا عند الشعراء!

۵۳- لماذا كان «دعبل» مخلصًا لأبي تمام؟ عین الصحيح:

- ۱) لأنه كان يكثر قراءة شعر الشعراء الذين سبقوه!
- ۲) لأنّ أبا تمام كان منهماً بالإكثار في السرقات الشعريّة!
- ۳) كان أبو تمام يدافع عن الأنظمة الحكوميّة و يعارض المخالفين!
- ۴) كان أبو تمام قد أحمل كثيرًا من الشعراء حيث إنهم لم يستطيعوا أن يكسبوا درهماً!

۵۴- كان الشّاعر في العصر العباسي يأخذ ثقافته من أحد المصادر التالية: (عین الخطأ):

- ۱) اليونانيّة الخالصة التي نقلها المسلمون!
- ۲) ثقافة الروميين التي نقلها المسيحيون!
- ۳) الثقافة العربيّة التي تشمل ثقافة الجمهور و القرآن و العلوم الإسلاميّة!
- ۴) الثقافة الشّرقية التي تشمل الإيرانيين و الهنود و بعض الشعوب السامية!

۵۵- لماذا كان أبو تمام مبغضًا إلى المحافظين؟ عین الخطأ:

- ۱) كان أبو تمام مرهفًا بالمعنى حيث يفسد الموسيقى أحيانًا!
- ۲) إنّ أبا تمام كان مشغوفًا بالمعاني التي لم تكن في متناول الأيدي!
- ۳) كان أبو تمام قبل كلّ شيء يعتني بالموسيقى الشعريّة التي تأتي من البديع و قد كان يرحّب هذه الشّكليات!

- ۴) كان القدماء يتخذون الصورة الشعريّة و البديع وسيلة إلى الجمال الفنّي بخلاف أبي تمام فلم يكن له ذلك غاية الشّعر!

۵۶- ما كان سبب تقدّم أبي تمام على معاصريه؟ عین الصحيح:

- ۱) كان مفكرًا قبل أن يكون شاعرًا!
- ۲) إنّه كان يعتمد على الطّبع وحده في الشّعر!
- ۳) إنّه كان رمزًا لجنس «المدح» الشّعري المتواجد في عصره!
- ۴) لم يكن متأثرًا بثقافة عصره بل كان حديثًا في جميع السّاحات!

۵۷- عین الخطأ للفرغين: يُعتبر من أصحاب في النّقد الأدبي في العصر العباسي!

- | | |
|----------------------------|--|
| ۱) الأمدّي / منهج الموازنة | ۲) ابن سلام الجمحي / المنهج اللغوي |
| ۳) الجاحظ / المنهج الكلامي | ۴) ابن قتيبة الدينوري / المنهج الفلسفي |

- ۵۸- عین الصحیح للفراغ: كان حلقة الوصل بين المدرسة الحميدية و المدرسة الجاحظية!
- (۱) أحمد بن يوسف (۲) أبو بكر الصولي (۳) سهل بن هارون (۴) عمرو بن مسعدة
- ۵۹- عین الخطأ بالنسبة لأغراض الشعر و فنونه في العصر العباسي:
- (۱) قوی الشعر الرثائي / ضعف الشعر الحماسي / ظهر الشعر التعليمي
 (۲) ظهر الشعر القصصي / استقل الشعر الطردي / قوي الشعر المدحي
 (۳) استقل الشعر الزهدي / قوي الشعر الهجائي / ضعف الشعر الفخري
 (۴) ضعف الشعر السياسي / ظهر الشعر الفلسفي / استقل الشعر الوصفي
- ۶۰- عین الصحیح عن اللغويين و النحويين و المفسرين و المتصوفين في العصر العباسي على الترتيب:
- (۱) الزمخشري / الفراء / الثعلبي / الكندي
 (۲) ابن النديم / الكسائي / الطبري / الحلّاج
 (۳) ابن دريد / يونس بن حبيب / الرازي / ابن عربي
 (۴) الأزهری / أبو عمرو بن العلاء / الأصمعي / ابن الفارض
- ۶۱- عین الخطأ عن ميزات النثر العباسي:
- (۱) التألق في اللفظ، أصالة المقدمات، الإطناب!
 (۲) السهولة في العبارة، التألق في اللفظ، الإيجاز!
 (۳) الميل إلى الغلو و الإكثار، التفصيل و الإطناب!
 (۴) الجودة في الوصف، السهولة في العبارة، التألق في اللفظ!
- ۶۲- عین الخطأ عن ميزات الشعر العباسي:
- (۱) استقل الشعر الزهدي و الخمري و الطردي!
 (۲) ظهر الشعر الفلسفي و الصوفي و التعليمي!
 (۳) ضعف الشعر المدحي و الرثائي و الهجائي!
 (۴) ضعف الشعر السياسي و الحماسي و أهمل الغزل العذري!
- ۶۳- عین الصحیح:
- (۱) استطاع ابن قتيبة أن يوحد بين اللفظ و المعنى!
 (۲) استطاع الجاحظ أن يقضي على ثنائية اللفظ و المعنى!
 (۳) استطاع ابن طباطبا أن يربط بين علم الجمال و لغة الشعر!
 (۴) استطاع عبد القاهر الجرجاني أن يوحد بين فلسفة اللغة و فلسفة الفن!
- ۶۴- عین الخطأ عن منهج عبد القاهر الجرجاني النقدي:
- (۱) كان يخالف ثنائية اللفظ و المعنى!
 (۲) بنيت دراساته على أساس المنهج اللغوي!
 (۳) كان أول من تنبه إلى العلاقة بين أصوات اللغة و معانيها!
 (۴) المجال التطبيقي لدراساته كان محدودًا بالشواهد المبتورة و الأبيات المحدودة!

٦٥- هل تُحسب المقايسة بين « رسالة الغفران » للمعري و « الفردوس المفقود » لجون ملتون، من دراسات المقارنة حسب المدرسة الفرنسية؟

(١) نعم، لأن كليهما مكفوفان!

(٢) نعم، لأن الأثرين حول السفر إلى الآخرة!

(٣) لا، لأن المقارنة لا تُقبل بين العربية و الإنكليزية!

(٤) لا، لأن ملتون لم يطلع على رسالة الغفران و لم يتأثر بها!

٦٦- عين الصحيح عن المؤلفات اللغوية و علمائها في العصر العثماني:

(١) تقتصر العلوم اللغوية على محاولات اللغويين في كتابة المعاجم كمعجم تاج العروس للزبيدي!

(٢) من أهم المحاولات اللغوية كتاب كشف الظنون لحاجي خليفة و هو معجم مرتب على الحروف الأبجدية!

(٣) كتاب الكشكول لبهاء الدين العاملي معجم لغوي غير مرتب على ترتيب خاص، فهذا تصعب مراجعته للقارئ!

(٤) كتاب كشاف اصطلاحات الفنون للتهانوي، معجم يستعان به في وضع المصطلحات اللغوية للعلوم الجديدة!

٦٧- عين الخطأ عن جميل صدقي الزهاوي:

(١) إنه شديد الاعتناء بأرائه الإصلاحية بشعره، كما كان شاعر المرأة الجديدة!

(٢) إنه شاعر يجمع ما بين اللين و القوة و الفن و الفلسفة و الدعة و العنفوان!

(٣) نرى في شعره الشكوى و شكواه تنال مواطنيه و الزمان و الحكام و لكنها لا تنال الطبيعة البشرية!

(٤) إنه شاعر عقلاني لا يطمئن بغير ما يسمع أو يبصر و لا يصدق شيئاً من الأخبار من غير تحفظ و تبصر!

٦٨- أي شاعر لا يدخل في زمرة شعراء ما بين التقليد و التجديد؟:

(١) أحمد شوقي (٢) فوزى المفلوح (٣) خليل مطران (٤) أمين نخلة

٦٩- عين المنهج المتبع عند صاحب العبارات التالية:

فهو كان يهجو الناس، و يبسط لسانه فيهم، و يشنع عليهم ليرهبهم و يخيفهم، و يظفر بما لهم أو

يبتره على الأصح. فيعيش مترفاً مُنعماً موسعاً عليه، و يبقى مخشياً اللسان. و إذا كان على ضخامة

جنته و متانة أسرته و شدة بنيته لا يستطيع أن يكون فاتكاً، لما مني به من العمى، فقد اتخذ من لسانه

أداة للفنك و البطش، و وسيلة إلى استشعار القوة و إفادة العزة! قالت له بنته مرة: يا أبت ما لك يعرفك

الناس و لا تعرفهم؟ قال: هكذا الأمير يا بنيت!

(١) النفسي (٢) الاجتماعي (٣) التاريخي (٤) المتكامل

٧٠- عين ما ليس من مخاطر المنهج التاريخي في النقد الأدبي:

(١) الاستقراء التام (٢) الأحكام الجازمة و الحازمة

(٣) التعميم العلمي (٤) إغفال قيمة العبقرية الشخصية

٧١- عين ما ليس من ميزات المدرسة الرومانسية:

- (١) الوحدة العضوية!
- (٢) الامتزاج بالطبيعة و الذوبان فيها!
- (٣) الإحساس بالغربة بكل أشكالها و شتى مناحيها!
- (٤) الأدب الموجّه النابع من الفهم الديناميكي لحركة التاريخ!

٧٢- ما هو أهم الملامح الأسلوبية التي أحدثتها مدرسة الإحياء في الشعر العربي الحديث؟

- (١) الابتعاد عن تكلف البديع و الزخارف اللفظية إلى الرصانة و التحرر!
- (٢) الانتقال من التعقيد و الغموض و الألغاز إلى السهولة و القوة و الوضوح!
- (٣) الارتقاء بالكلمة و العبارة من الضعف و الابتذال إلى صحة التركيب و قوته!
- (٤) التعبير عن الأحاسيس الذاتية و الحياة المعاصرة و القضايا القومية و أحداث العصر!

٧٣- عين الخطأ:

- (١) القسم المشترك عند البنيويين و الشكلايين في ساحة عملية فهم النصّ هو الاهتمام بالأرضية!
- (٢) في رؤية ما بعد الحداثيين - على خلاف الحداثيين - تضمحل المرجعية في جميع الساحات الفكرية!
- (٣) عند أصحاب نظرية التلقي لا يمنح النصّ و الملابس المحيطة به و كذلك السياق المعاني و الدلالات للمتلقي!
- (٤) المنهجية و النقد اللغويّ حول النصّ ضحيتان كبيرتان في مجموعة الاتجاهات النقدية الحديثة المسيطرة على الساحات الفكرية النقدية!

٧٤- عين الخطأ حول ميزات اتجاه الهرمنيوطيقا الفلسفية:

- (١) المعنى النصّي عند متبعي هذا الاتجاه مخلوق لا مكتشف!
 - (٢) المحاولة للحصول على قصد المؤلف في النصّ تافه لا طائل تحته!
 - (٣) أصحاب هذه الفكرة يرفضون فكرة موت المؤلف و غياب المعنى النصّي و السياق!
 - (٤) هذا الاتجاه من فروع ما بعد الحداثة حيث إنّه يعارض بعض مكتسبات مرحلة الحداثة!
- ٧٥- عين الصحيح: المقصود من «متافيزيقا الحضور» عند التفويضيين أو التفكيكيين هو أن ...

- (١) الأليات التي نستخدمها لاستخراج المعنى من النص مأخوذة من التصوّرات و الأخيلة، فلا آلية لاستخراج المعنى!
- (٢) المعتمد في منهجية فهم النص هو الخيال و القوة الفاهمة و الذهنية للمتلقي، فلا مرجعية للنص!
- (٣) حضور المؤلف أثناء عملية فهم النصّ حضور غيبي لا نراه (لأ من وراء الحجب الذهنية!
- (٤) النص لا يشتمل على المعنى بل الأمر الذي سيحدث أثناء قراءة النص!

٧٦- عین ما فيه كلّه من الكلمات المفتاحية للبنويين:

- ١) النظرة التطورية، البنية، الثنائيات، البينصية
- ٢) النظرة التزامنية، التناص، زمان صدور الكلام، الترادف
- ٣) النظام الائتلافي، البنية، الغرائب اللغوية، مكان صدور الكلام
- ٤) النظام الاستبدالي، المنظومة المعنوية، المؤلف، التضادات اللغوية

٧٧- عین الصحيح:

- ١) الكلمة المفتاحية للشكلانيين في عملية فهم النصّ هي «الغرائب»!
- ٢) كلمتان أساسيتان في اتجاه الشكلانيين هما «الصورة» و «سياق غير اللغوي»!
- ٣) إذا لم يُدرس زمانُ صدور النصّ و مكانه فإنه لا يليق أن تُسميه تحليلًا شكلانيًا!
- ٤) «المؤلف» هو الحجر الأساس عند الشكلانيين لأنه هو الذي يوجد صورة النصّ و شكله!

■ ■ اقرأ النصوص التالية (ألف - ب - ج - د - هـ - و) ثم أجب عن الأسئلة (٧٨-١٠٠) بما يناسب النص

ألف (٧٨ و ٧٩) جاء في القرآن الكريم:

﴿ و كم أهلكننا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشًا، فنقبوا في البلاد هل من محيص. إن في ذلك لذكرى لمن كان له قلب أو ألقى السمع و هو شهيد ... و من الليل فسبحه و أذبار السجود ... إنا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر. یوم تشقق الأرض عنهم سراعًا، ذلك خسر علينا یسیر. نحن أعلم بما یقولون و ما أنت علیهم بجبار، فذكر بالقرآن من یخاف و عید ﴾

٧٨- عین ما لم یأت في الآيات:

- ١) العقل منقذ من الهلاكة!
- ٢) عدم إكراه الآخرين بالإيمان!
- ٣) التذکر بالقرآن یختص بالخائفین الوعود!
- ٤) ودائع الأرض لها عجلة بالخروج!

٧٩- عین الخطأ: الأخبار التي جاءت في الآيات هي:

- ١) ربما هناك من لا يتبع النبي (ص) و هو یخاف ربّه!
- ٢) تنتصدع الأرض بسرعة و الأحداث تخرج من الأرض!
- ٣) إن العبادة في بعض أناء الليل و في حالة السجود أحسن!
- ٤) كان النبي (ص) یحرص علی أن یقبل الناس ما أوحى إلیه!

ب (۸۰-۸۲) جاء في نهج البلاغة:

وَقُرِّ سَمِعَ لَمْ يَفْقَهُ الْوَاعِيَةَ وَ كَيْفَ يُرَاعِي النَّبَاةَ مِنْ أَصَمَّتْهُ الصَّيْحَةُ، زَيْطُ جَنَانٍ لَمْ يَفَارِقْهُ الْخُفْقَانُ!
مازلت أنتظر بكم عواقب الغدر و أتوسمكم بحلية المعتزين حتى سنترني عنكم جلباب الدين و بصرنكم
صدق النية! أقمت لكم على سنن الحق في جواد المضلة حيث تلتقون و لا دليل، و تحتفرون و
لاثميهون! اليوم أتطق لكم العجماء ذات البيان! غزب رأي امرئ تخلف عني! ما شككت في الحق مذ
أريته! لم يوجس موسى خيفة على نفسه، بل أشفق من غلبة الجهال و دول الضلال! اليوم تواقفنا على
سبيل الحق و الباطل. من وثق بماء لم يظماً!

۸۰- عين الصحيح في المقصود من التعابير التالية:

- ۱) من وثق بماء لم يظماً: کسی که به آب مطمئن شود، دیگر دچار احساس تشنگی نخواهد شد!
- ۲) أتطق لكم العجماء ذات البيان: برای شما ناشنوی دارای قدرت بیان را به زبان می‌آورم!
- ۳) أشفق من غلبة الجهال و دول الضلال: از غلبه جاهلان و دولتهای گمراهی می‌ترسم!
- ۴) أقمت لكم على سنن الحق في جواد المضلة: برای شما بمنظور راهنمایی‌تان به راههای حق در میان جاده‌های گمراهی بپاخاستم!

۸۱- بین من الظروف الاجتماعية التي لم تأت في النص:

- ۱) بعض الأحيان كان الخوف من سيطرة الجهلة يسبب الصمت و السكوت!
- ۲) هناك جماعات تحاول الحصول على النور لكنهم ما كانوا يجدونه!
- ۳) الحق ظاهر و الباطل مستور و الناس حائرون بين هذا و ذلك!
- ۴) هناك فئات كانوا يظهرون الحق و هم كانوا بعيدين عنه!

۸۲- من آيات المعرفة هي:

- ۱) النوايا السليمة
- ۲) سماع صوت الواعين
- ۳) استتطاق العجماء
- ۴) القيام في جواد المضلة

ج (٨٣-٨٥) يقول ابن المقفع:

إذا تراكت عليك الأعمال فلا تلمس الرّوح في مدافعتها يوماً بيوم و الرّوغان منها، فإنّه لا راحة لك إلا في إصدارها، و إنّ الصبر عليها هو الذي يخففها عنك و الضجر هو الذي يراكمها عليك! فتعهد من ذلك في نفسك خصلة قد رأيتها تعترى بعض أصحاب العمل، و ذلك أنّ الرجل يكون في أمر من أمره فيرد عليه شغل آخر أو يأتيه شاغل من الناس يكره إيتاءه فيكثر ذلك بنفسه تكديراً يفسد ما كان و ما ورد عليه حتى لا يحكم واحداً منها. فإذا ورد عليك مثل ذلك ... فاختر أولى الأمرين بشغلك!...

٨٣- ما هي المشكلة التي تناولها النص؟

- (١) اختيار أهمّ العملين عند حدوثهما!
- (٢) ظاهرة تراكم الأعمال و كيفية إنجازها!
- (٣) الإحساس بالزّوج أو الرّوغان في مواجهة الأعمال!
- (٤) الشعور بالغمّ و السّامة عند تخفيف تراكم الأعمال!

٨٤- عين الخطأ:

- (١) يتميّز أسلوب كتابة ابن المقفع بالاستطراد و الإكثار منه!
- (٢) الأعمال المتراكمة لا تعني الأعمال الكثيرة فإنّ بينهما خلاف بين!
- (٣) لكي نتغلّب على الأعمال المتراكمة يجب أن نبدأ بإنجاز أهمّ الأعمال ثمّ الأهمّ فالأهمّ!
- (٤) في مواجهة تراكم الأعمال إذا أحسنا بالتبرّم بها فإنّ هذا يدلّ أن يريحنا يزعجنا و يراكمها أكثر!

٨٥- عين الخطأ: من نصائح ابن المقفع لمخاطبيه هي

- (١) ألا يشعروا بالضيق!
- (٢) ألا يميلوا إلى الراحة!
- (٣) ألا يهربوا من الأعمال!
- (٤) ألا يدافعوا عن تراكم الأعمال!

د (٨٦-٩٠) قد أنشد الفرزدق الشاعر:

- ١- إنّ الذي سمك السّماء بنى لنا
- ٢- لا يحتبي بفناء بيتك مثّ لهم
- ٣- ضربت عليك العنكبوت بنسجها
- ٤- و إذا بذخت فرايتي يمشي بها
- ٥- الأكثرون إذا يُعدّ خصاهم
- ٦- إنّ الزحام لغيركم فترقبوا
- ٧- أحلامنا تزن الجبال رزاة
- ٨- فادفع بكفك إن أردت بناعنا
- بيثا دعائمه أعزّ و أطول
- أبداً إذا غدّ الفعّال الأفضل
- و قضى عليك به الكتاب المنزل
- سفيان أو غُذسُ الفعّال و جندل
- و الأكرمون إذا يعدّ الأوّل
- ورد العشيّ إليه يخلو المنهل
- و تخالنا جئنا إذا ما نجهل
- ثهلان ذا الهضبات هل يتحلّل

- ٨٦- عین الخطأ: بعض مواصفات الحياة المعيشية عند العرب و ظروفهم البيئية هو ...
 (١) الجلوس في ساحة البيوت!
 (٢) كثرة الفقراء و قلة الأغنياء!
 (٣) ارتفاع سقف خيام الأعظم!
 (٤) قلة موارد المياه مما تؤدي إلى التزاحم!

٨٧- عین الخطأ في ما أستنتج من النص:

- (١) لم تكن العطالة ممدوحة في ثقافة العرب!
 (٢) لا يتبادرون إلى الحرب إلا في الحالات الحرجة!
 (٣) كان الجن مطروداً عند العرب فيتمثلون به في السليبات!
 (٤) تأثير الفرد في تمشية أمور القبيلة كان أقوى من تأثير الأسرة!

٨٨- المقصود من «أحلامنا» و «نجهل» في البيت السابع هو:

- (١) الرؤيا / نظلم (٢) الروى / ننسى (٣) العقول / نغضب (٤) الخيالات / لا نعرف

٨٩- عین الصحيح في مفهوم البيت السادس:

- (١) الناس يجتمعون لغيركم فلا يحبونكم فلذلك إذا أردتم دخول الموارد و المناهل فادخلوها ليلاً!
 (٢) غيركم يجتمع على الماء نهاراً و أنتم تترتبون دخول الموارد العشائية لتفرغوا المياه من المناهل!
 (٣) قومك ضعاف لأنكم لا تستطيعون المزاحمة على الماء فتنتظرون الليل ليخلو مورد الماء من الزحام!
 (٤) حين تجتمعون على المورد يحدث الزحام فعليكم أن تواظبوا على دخول الموارد ليلاً لكونها خالية من الناس!

٩٠- عین البيت الذي يعبر عن الموضوع التالي: « لن تستطيع أن تنال من مجدنا و إن حاولت كنت كمن يحاول

أن يزحزح جبلاً عظيماً من مكانه و هذا مستحيل! »

- (١) البيت الثامن (٢) البيت السابع (٣) البيت الخامس (٤) البيت الرابع

هـ (٩١-٩٥) قد أنشد أبو تمام الشاعر:

- ١- رقت حواشي الدهر فهي تمرمر
 ٢- نزلت مقدمة المصيف حميدة
 ٣- مطر يذوب الصحو منه و بعده
 ٤- غيثان فالأنواء غيث ظاهر
 ٥- يا صاحبي تقصتيا نظريكما
 ٦- دنيا معاش للسورى حتى إذا
 ٧- من كل زاهرة تفرق بالندى
 ٨- تبدو و يحجبها الجميم كأنها
 و غدا الثرى في حليه يتكسر
 و يد الشتاء جديدة لا تكفر
 صحو يكاد من الغضارة يقطر
 لك وجهه و الصحو غيث مضم
 تريا وجوه الأرض كيف تصور
 حل الربيع فأنما هي منظر
 فكأنها عين إليك تحدر
 عذراء تبدو تارة و تخفر

٩١- عین الخطأ:

- (١) بعد النقصي و الاستقصاء تتمثل الأرض و تصير أشكالاً متنوّعة جميلة بدیعة!
 (٢) في الربيع اللذة في التمتع بالنظر إلى الزهور التي يصوغها بطن الأرض و يخرجها إلى ظهرها!
 (٣) لم يكن المطر يكفي لإخضاب الأرض و تتميتها بل ينبغي وجود الصحو، فهو لم يكن أقل أهمية من المطر!

(٤) لقد بدا تأثير المنطق حين اعتبر الغيث غيثن، فهذا يمثل بيئة الشاعر التي ترجح النظرة التعليلية!

٩٢- لماذا أعتبر الصحو غيثاً مضمراً؟

- (١) لأنه إنّما ينتج الغيث الصحو فهذا نتيجة ذلك!
 (٢) لأنه هو الذي يخصب الأرض بعد أن رواها الغيث!
 (٣) لأن الغيث في باطنه و ضميره يسبب الانبعث و الحيوية!
 (٤) لأنّ النوء يغيث المضطربين و يزيل العطش من قلوب الظّامنين!

٩٣- عین الصحيح: قد شبه الشاعر ...

- (١) الثرى بالحلية!
 (٢) الزهرة الندبة بالعين الباكية!
 (٣) الغيث بالصحو
 (٤) الأرض المغطية بالنبات بامرأة مستهتره!
 ٩٤- عین البيت الذي ينقل الشاعر فيه ما كان يشاهده من الألبسة المزركشة الزاهية إلى الظواهر الطبيعية في الربيع.

(١) البيت الأول (٢) البيت الثالث (٣) البيت السادس (٤) البيت السابع

٩٥- أذكر البيت الذي يتكلم الشاعر فيه عن الموضوع التالي:

« إنّ الزهور في الربيع أهداب ترنو و عندما يسترها النبت تبدو و كأنها تختبئ دلاً و حياءً»

(١) البيت الأول (٢) البيت الرابع (٣) البيت السابع (٤) البيت الثامن

و (٩٦-١٠٠) قد أنشد خليل مطران الشاعر:

- ١- شاك إلى البحر اضطراب خواطري
 ٢- ثاؤ على صخر أصمّ و لبت لي
 ٣- ينتابها موج كموج مكارهي
 ٤- و البحر خفاق الجوانب ضائق
 ٥- تغشى البرية كدرة و كأنها
 ٦- و الأفق معتكر قريح جفنه
 فيجيبني برياحه الهوجاء
 قلباً كهذي الصخرة الصماء
 و يفتها كالسقم في أعضائي
 كمذا كصدري ساعة الإساء
 صعدت إلى عيني من أحشائي
 يغضي على الغمرات و الأقفاء

٩٦- برأيك لماذا لا يعزّي البحر الشّاعر و لا يسعفه؟

- ١) لأنّه تتعكس نفسه على مرآة البحر و هي تخلع عليه الاضطراب!
- ٢) لأنّ الشّاعر الرومنسي لا يبحث عن الاستقرار و الطمأنينة فوجوده في الاضطراب!
- ٣) لأنّه لا يستكين و لا يهدأ و لا تصفو مياهه بل إنّ الرياح تهبّ و الأمواج ثقّت مستمرّاً!
- ٤) لأنّ الأمواج العاتية و خفقان البحر و النعاسة النفسية لا تسمح بتسرّب التسلية و السكينة في قلب الشّاعر!

٩٧- عين الصحيح:

- ١) رياح البحر بخلاف رياح الهموم تكسر الصّخور العاتية!
 - ٢) يفرغ الشّاعر إلى البحر طلباً منه للعزاء و التلوى و الهدوء!
 - ٣) سبب تمّني الشّاعر لاستحالة قلبه إلى الصّخرة هو مقاومتها و قوّتها!
 - ٤) الغرض من الرّياح في هذه الأبيات هي رياح الشوم و الهمّ في يَمّ النّفس!
- ٩٨- أذكر البيت الذي يعبر عن الموضوع التالي:

- «إنّ الخزن و القنوط مطبقان على ما لاذ به الشّاعر حيث إنّ صدر البحر يضيق كصدر الشّاعر»
- ١) الثاني ٢) الثالث ٣) الرابع ٤) الخامس

٩٩- عين الخطأ:

- ١) يطلب الشّاعر النجاة و الخلاص من شعوره الطاعي!
 - ٢) قبيل المغرب الأشجان عند الشّاعر تثار أكثر من أيّ وقت مضى!
 - ٣) أدرك الشّاعر أنّ الاضطراب يخفق في مظاهر الكون و عناصره مثله!
 - ٤) جمع الشّاعر في هذه الأبيات النّجارب الثلاث: الحبّ و المرض و الغربة!
- ١٠٠- عين الخطأ في ترجمة البيت السادس و مفهومه:

- ١) الوجود كأنه مُسَهّد غشيت أجفانه القروح بحيث يكاد يعجز عن إغماضها!
- ٢) إنّ العالم قد بدا مقرّح الجفن مطموس المعالم تعروه الأقداء و يغشاه القتام!
- ٣) عين الأفق الرمضاء هي عين الحياة ذاتها أو بالأحرى هي عين الشّاعر المقرّحة بالأرق و الألم و أقداء الشرّ و الهوان!
- ٤) إنّ الطبيعة المستعصية و العواصف الهوجاء تتاسب إعتكار الأفق حيث يثير الشجون و هذا يسبّب ألا يقدر صفو الأفق!



